

گونه‌شناسی ادله در دیوان داوری ورزش؛ با تأکید ویژه بر دعاوی مرتبط با دوپینگ

سپهر صارمی (نویسنده مسئول)

دکترای حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه طباطبایی، تهران، ایران.

s.saremi1995@gmail.com

مجتبی اصغریان

استادیار، گروه حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

Asgharian@khu.ac.ir

قابل انتشار در دوره ۲۶ شماره ۷۱ (پاییز ۱۴۰۶) نشریه پژوهش‌های حقوقی

چکیده

با توجه به گسترش مقررات ضد دوپینگ در عرصه بین‌المللی، رسیدگی به تخلفات مرتبط با آن در دیوان داوری ورزش جایگاهی بنیادین یافته است. در این پژوهش، گونه‌شناسی ادله در رسیدگی‌های این دیوان با تمرکز بر دعاوی دوپینگ مورد بررسی قرار گرفت. دیوان داوری ورزش، به‌عنوان مرجع اصلی حل‌وفصل اختلافات ورزشی در سطح جهانی، در شکل‌دهی به نظام حقوقی مبارزه با دوپینگ نقشی کلیدی ایفا کرده است. با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، چارچوب حقوقی حاکم بر ارزیابی ادله در دیوان داوری ورزش واکاوی شد و انواع ادله‌ای که در دعاوی دوپینگ مورد استناد قرار می‌گیرند، طبقه‌بندی گردید. نتایج پژوهش نشان داد که به دلیل ماهیت علمی و فنی این دعاوی، ویژگی‌هایی نظیر اصل مسئولیت عینی - که صرف وجود ماده ممنوعه در بدن ورزشکار را، مستقل از قصد یا تقصیر، برای اثبات تخلف کافی می‌داند - موجب تمایز آن‌ها از سایر اختلافات ورزشی شده‌اند. همچنین مشخص شد که ادله‌ای همچون نتایج آزمایشگاهی، گذرنامه بیولوژیکی، شهادت کارشناسان، و گزارش‌های علمی نقش اصلی در روند اثبات نقض مقررات ایفا می‌کنند. در پایان نیز، پیشنهادهایی برای ارتقای عدالت روبه‌ای و تقویت سازوکارهای رسیدگی در دعاوی دوپینگ ارائه گردید. این مطالعه با تمرکز بر خلأ موجود در ادبیات فارسی، درک دقیق‌تری از فرآیند اثبات در دیوان داوری ورزش به‌دست داد و ظرفیت آن برای الهام‌بخشی در اصلاحات حقوقی آتی برجسته شد.

واژگان کلیدی: دیوان داوری ورزش، دوپینگ، ادله اثبات، مسئولیت عینی، استاندارد اثبات، آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ.

مقدمه

ادله یکی از تعیین‌کننده‌ترین عوامل در پیروزی یا شکست در داوری‌های بین‌المللی هستند. هر فردی که به‌عنوان وکیل، خواهان یا خوانده در یک دادرسی حضور داشته است، به‌خوبی می‌داند که ادله ارائه‌شده به قاضی یا داور تا چه اندازه برای اثبات ادعا یا دفاع اهمیت دارد. دادرسی‌های داوری در دیوان داوری ورزش نیز از این قاعده مستثنی نیستند، چراکه همواره باید از فرصت‌ها برای ارائه یا درخواست تمامی ادله لازم استفاده کرد تا شانس صدور رأی مطلوب افزایش یابد.^۱

دیوان داوری ورزش^۲ به عنوان نهاد اصلی حل‌وفصل اختلافات ورزشی در سطح بین‌المللی، نقش کلیدی در رسیدگی به دعاوی مربوط به ورزشکاران، فدراسیون‌های ورزشی و سایر نهادهای ذی‌ربط ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین حوزه‌هایی که این دیوان به آن می‌پردازد، دعاوی مرتبط با دوپینگ است که مستقیماً بر سلامت رقابت‌های ورزشی و اصل عدالت تأثیر می‌گذارد. در چنین پرونده‌هایی، اثبات ادعاها به‌شدت به ادله ارائه‌شده از سوی طرفین وابسته است و نحوه ارزیابی این ادله توسط دیوان داوری ورزش تأثیر مستقیمی بر نتایج دعاوی دارد.

ادله در دعاوی ورزشی می‌تواند شامل ادله علمی (مانند آزمایش‌های دوپینگ، پاسپورت بیولوژیکی و گزارش‌های پزشکی)، ادله مستند (مانند گزارش‌های آزمایشگاهی و سوابق پزشکی) و شهادت شهود (مانند اظهارات کارشناسان و ورزشکاران) باشد. مسائل مربوط به ادله در حل اختلافات، محدود به پرونده‌های دوپینگ نیستند. با این حال، این مسائل در چنین پرونده‌هایی می‌توانند باعث نارضایتی بیشتری شوند. با این وجود، هر یک از این انواع ادله چالش‌های خاص خود را دارند؛ از جمله میزان دقت آزمایش‌های علمی، اختلاف‌نظر میان متخصصان و محدودیت‌های مرتبط با پذیرش شهادت‌ها. از سوی دیگر، دیوان داوری ورزش دارای معیارها و استانداردهای خاصی برای ارزیابی ادله است که ممکن است با سیستم‌های قضایی داخلی و سایر نهادهای بین‌المللی تفاوت داشته باشد.

پرسش اساسی این مقاله آن است که دیوان داوری ورزش چه معیارهایی را برای پذیرش و ارزیابی ادله در دعاوی دوپینگ اتخاذ می‌کند و این معیارها چه چالش‌ها و پیامدهایی به همراه دارند؟ برای پاسخ به این پرسش، پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی چارچوب حقوقی حاکم بر ارزیابی ادله در دیوان داوری ورزش می‌پردازد. سپس، انواع ادله مورد استفاده در دعاوی دوپینگ و نحوه پذیرش آن‌ها در رویه این دیوان مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرد. در نهایت، چالش‌ها و انتقادات مربوط به این فرآیند ارزیابی شده و پیشنهادهایی برای بهبود آن ارائه خواهد شد.

¹ . Wildenstein & Associés. The evidences before the Court of Arbitration for Sport (CAS) [Internet]. Paris: Wildenstein & Associés; [date unknown]. Available from: <https://wdassocies.com/en/the-evidences-before-the-court-of-arbitration-for-sport-cas>. Last accessed: 4 Apr 2025.

² . Court of Arbitration for Sport.

با وجود اهمیت این موضوع، تاکنون در ادبیات حقوقی فارسی تحقیقی در این زمینه انجام نشده است. این مقاله می‌کوشد تا با بررسی ابعاد مختلف ارزیابی ادله در دعاوی دویینگ در دیوان داوری ورزش، خلأ موجود در ادبیات حقوقی فارسی در این حوزه را پوشش داده و راهکاری برای بهبود فرآیندهای مرتبط با اثبات دویینگ در دیوان داوری ورزش ارائه دهد.

۱. دیوان داوری ورزش

قبل از دهه ۱۹۸۰، هیچ مرجع مستقل و صلاحیت‌داری وجود نداشت که قادر به اتخاذ تصمیمات معتبر و الزام‌آور در خصوص مسائل ورزشی داخلی یا بین‌المللی باشد. ورزش به‌طور ذاتی به دعاوی حقوقی طولانی و پیچیده سازگاری ندارد، زیرا فوریت تصمیم‌گیری در مورد رویدادهای ورزشی ایجاب می‌کند که روندهای قضائی طولانی و متعارض برای حل و فصل اختلافات این حوزه مناسب نباشند. به همین دلیل، نیاز به نهادی بود که قادر به صدور تصمیمات سریع، منعطف، کم‌هزینه و آگاهانه در زمینه‌های مختلف مرتبط با ورزش باشد. این نهاد باید از فدراسیون‌های ورزشی ملی و بین‌المللی مستقل می‌بود تا از تأثیر و نفوذ این فدراسیون‌ها در تصمیم‌گیری‌های قضائی، به‌ویژه در هنگام رسیدگی به تجدیدنظرها، جلوگیری کند.^۳

ایده تأسیس یک دادگاه بین‌المللی داوری برای رسیدگی به اختلافات ورزشی در سال ۱۹۸۱ در یازدهمین کنگره المپیک در شهر بادن-بادن آلمان توسط خوان آنتونیو سامارانش، رئیس وقت کمیته بین‌المللی المپیک، مطرح شد. سال بعد، در هشتاد و پنجمین نشست کمیته بین‌المللی المپیک در رم، یک گروه کاری تشکیل شد تا مسئولیت ایجاد یک دادگاه داوری برای ورزش را بر عهده گیرد. در سال ۱۹۸۳، در ششم آوریل در دهلی نو، کمیته بین‌المللی المپیک اساسنامه دیوان داوری ورزش را تصویب کرد و سرانجام در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۴، این دادگاه فعالیت خود را در لوزان سوئیس آغاز نمود.^۴

دیوان داوری ورزش وظایف خود را از طریق داورانی متخصص در حوزه حقوق انجام می‌دهد. دیوان دارای دو بخش اصلی است: «بخش داوری عادی» و «بخش داوری تجدیدنظر»، که هر کدام رئیس خود را دارند. روسای بخش‌ها مسئول اجرای اولیه فرآیند داوری و صدور دستورات موقتی هستند. ۳۰۰ داور دیوان داوری ورزش توسط شورای بین‌المللی داوری ورزش برای مدت چهار سال منصوب می‌شوند. داوران از میان افراد با تحصیلات حقوقی و شایستگی در ورزش، به پیشنهاد کمیته بین‌المللی المپیک، فدراسیون‌ها و کمیته‌های ملی المپیک انتخاب می‌شوند. داوران باید بی‌طرف و مستقل باشند و پس از انتصاب بیانی‌های در این زمینه امضا کنند.

شعبه بدوی دیوان مسئولیت رسیدگی به اختلافاتی را دارد که برای نخستین بار در یک محکمه حل و فصل اختلافات طرح می‌شوند. اختلافاتی که در شعبه بدوی قابلیت طرح دارند، عموماً اختلافاتی از جنس تجاری و مالی هستند و کمتر مسائل انضباطی در این شعبه مطرح و تحت رسیدگی قرار می‌گیرد. هیئت‌های رسیدگی‌کننده در این شعبه از یک یا سه داوری تشکیل می‌شوند.

³ . Kane D. Twenty Years On: An Evaluation of the Court of Arbitration for Sport. In: The Court of Arbitration for Sport 1984–2004. 1st ed. The Hague: Kluwer Law International; 2006. p. 455-477. DOI: 10.1007/978-90-6704-591-9_33.

⁴ . Lindholm J. The Court of Arbitration for Sport and Its Jurisprudence: An Empirical Inquiry into Lex Sportiva. The Hague: T.M.C. Asser Press; 2019. p. 3.

^۵ شایان ذکر است که حجم کاری این شعبه نسبت به شعبه تجدیدنظر بسیار اندک و محدود است؛ تا جایی که در سال‌های اخیر فقط ۱۰ الی ۱۵ درصد از دعاوی در شعبه بدوی طرح شده‌اند.^۶ از آنجایی که تقریباً تمامی قضایای مربوط به دوپینگ در شعبه تجدیدنظر بررسی شده است، در این تحقیق، بر بررسی عملکرد این شعبه نیز پرداخته شده است.

شایان ذکر است که شعبه مبارزه با دوپینگ دیوان داوری ورزش برای اولین بار به صورت موقت در بازی‌های المپیک تابستانی سال ۲۰۱۶ ریو دو ژانیرو تأسیس شد. پس از آن در بازی‌های المپیک زمستانی ۲۰۱۸ کره جنوبی نیز مورد استفاده قرار گرفت و در نهایت در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان یکی از شعبات اصلی دیوان داوری ورزش کار خود را رسماً آغاز کرد. البته چه از لحاظ ساختار و چه ماهوی نوآوری جدیدی را در بر نداشته است.^۷

لازم به ذکر است که شعبه تجدیدنظر دیوان به عنوان دادگاه تجدیدنظر نهایی برای نهادهای ملی و بین‌المللی ورزشی عمل کرده و بیشتر پرونده‌های دیوان در این شعبه طرح می‌شوند. از آنجایی که این شعبه به عنوان دادگاه تجدیدنظر نهایی عمل می‌کند، پیش از آن باید تمامی سازوکارهای داخلی حل و فصل اختلافات طی شوند.

کمیته بین‌المللی المپیک و فدراسیون جهانی فوتبال از مهمترین نهادهایی هستند که امکان تجدیدنظر در تصمیمات اتخاذ شده در ساختار خود را در دیوان فراهم کرده‌اند. دیوان نقشی حیاتی در ارزیابی تصمیمات بین‌المللی مرتبط با ورزش و تجدیدنظر در آنها ایفا می‌کند و می‌تواند تاثیر شگرف و بسزایی بر مقررات ورزشی جهانی داشته باشد. این تاثیر ممکن است به جهت بهبود فرآیند تجدیدنظر داوری و تضمین عدالت در رفع اختلافات ورزشی، بهبود حقوق ورزشکاران و آرامش و اعتماد به نظام جهانی ورزش باشد. در سال‌های اخیر، دیوان داوری ورزش به تعدادی از مسائل مربوط به ادله خاص داوری ورزشی رسیدگی کرده و راهنمایی‌هایی در مورد چگونگی برخورد و حل‌وفصل این مسائل در آینده ارائه داده است.^۸ در ادامه به چهارچوب حقوقی رسیدگی‌های دیوان داوری ورزش پرداخته می‌شود.^۹

۱/۱ چهارچوب حقوقی ناظر بر ادله در دیوان داوری ورزش

^۵. Court of Arbitration for Sport. *Code of Sports-related Arbitration* [Internet]. Lausanne: Court of Arbitration for Sport; 2023. Art. R40.1. Available from: <https://www.tas-cas.org/en/arbitration/code-of-sports-related-arbitration.html>

^۶. Court of Arbitration for Sport. *CAS Statistics 2016* [Internet]. Lausanne: Court of Arbitration for Sport; 2016. Available from: https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/CAS_statistics_2016_pdf. Last visited: 1 Jan 2023.

^۷. Maisonneuve M. La chambre antidopage du Tribunal arbitral du sport. In : Chaussard C, Chiron T, editors. *Le dispositif de lutte contre le dopage*. 52nd ed. No. 119. 2019.

^۸. Rigozzi A, Quinn B. Evidentiary issues before CAS. In: Bernasconi M, editor. *International sports law and jurisprudence of the CAS - 4th Conference CAS & SAV/FSA Lausanne 2012*. Lausanne: Editions Weblaw; 2014. p. 2. Available from: <https://ssrn.com/abstract=2438570>

^۹. در ایران، مسئولیت رسیدگی به پرونده‌های دوپینگ بر عهده سازمان ملی مبارزه با دوپینگ (ایران نادو) است که به نمایندگی از آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ فعالیت می‌کند. با وجود نقش این نهاد در اجرای کنترل‌ها و برنامه‌های آموزشی، ساختار آن به دلیل وابستگی به وزارت ورزش و فدراسیون پزشکی ورزشی از استقلال نهادی و مالی محدودی برخوردار است. افزون بر این، در مقایسه با نهادهای مشابه در سطح بین‌المللی، ایران نادو از شفافیت کمتری در انتشار گزارش‌ها و نتایج آزمایش‌ها بهره‌مند است و همین امر بر کارایی و اعتبار آن تأثیر می‌گذارد.

به‌طور کلی، داوری‌های بین‌المللی که مقر آن‌ها در سوئیس است، تحت حاکمیت فصل ۱۲ قانون فدرال حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس (Loi fédérale sur le droit international privé) قرار دارند. بنابراین، رسیدگی‌های دیوان داوری ورزش نیز هم مشمول این قانون و هم مقررات داوری مرتبط با ورزش هستند.^{۱۰}

ماده ۱۸۲ قانون حقوق بین‌الملل خصوصی سوئیس (PILA) که به اصول کلی آیین دادرسی داوری اختصاص دارد، در بند اول بیان می‌کند: «طرفین می‌توانند آیین دادرسی داوری را مستقیماً یا با ارجاع به قواعد داوری مشخص کنند». بند دوم اضافه می‌کند: «اگر طرفین آیین دادرسی را تعیین نکرده باشند، هیأت داوری بنا به ضرورت، آن را مستقیماً یا از طریق ارجاع به قانون یا قواعد داوری تعیین خواهد کرد». در نهایت، بند سوم تأکید می‌کند: «صرف‌نظر از آیین دادرسی انتخاب‌شده، هیأت داوری موظف است با طرفین رفتار برابر داشته باشد و حق آن‌ها را برای ارائه نظرات و دفاع در یک فرآیند توافقی تضمین کند»^{۱۱}

در عمل، از آن‌جا که طرفین با ارجاع اختلاف به دیوان داوری ورزش به‌طور ضمنی با آیین‌نامه این دیوان نیز موافقت می‌کنند، تمامی مسائل مربوط به ادله براساس قواعد آیین دادرسی مندرج در آیین‌نامه دیوان داوری ورزش رسیدگی می‌شود؛ مگر در مواردی که مقررات ورزشی مربوطه، قواعد خاصی درباره ادله تعیین کرده باشند. این قواعد، مهلت ارائه ادله، شکل قابل قبول آن و همچنین نحوه ارزیابی و پذیرش ادله را مشخص می‌کنند. همچنین، اگر آیین‌نامه دیوان داوری ورزش در مورد مسئله‌ای ساکت باشد، هیأت داوری صلاحیت‌دار دیوان داوری ورزش، مطابق با ماده ۱۸۲ قانون سوئیس، این خلأ را برطرف خواهد کرد.^{۱۲}

بر پایه حقوق داوری بین‌المللی، داوران دیوان داوری ورزش موظف نیستند از قواعدی که برای اخذ ادله در دادگاه‌های مدنی یا کیفری سوئیس (محل استقرار دیوان داوری) به کار می‌رود، پیروی کنند. به‌طور کلی، اختیار دیوان داوری در رسیدگی به دلایل فقط به سه مورد محدود می‌شود: نظم عمومی مربوط به روند داوری، حقوق شکلی طرفین، و در صورت لزوم، مقررات ورزشی مربوطه. بنابراین، با توجه به رویه تثبیت‌شده‌ی دیوان داوری ورزش و این نکته که هیأت داوری اختیار کامل برای بررسی مجدد واقعیت‌ها و مسائل حقوقی دارد، این دیوان به‌عنوان نهادی مستقل، الزامی به پیروی از تصمیمات مراجع قضایی دیگر از جمله تصمیمات راجع به ادله، ندارد.^{۱۳}

در واقع، با توجه به ماهیت بین‌المللی داوری (ورزشی)، این‌گونه استدلال می‌شود که داوران باید راهنمایی‌های مفیدتر و مناسب‌تری را در مجموعه قواعد فراملی که به‌طور خاص برای داوری تدوین شده‌اند، جست‌وجو کنند تا در قوانین داخلی‌ای که برای رسیدگی در دادگاه‌های ملی وضع شده‌اند. به‌ویژه، قواعد شکلی موجود در سایر مجموعه‌های قواعد داوری، و در خصوص مسائل مرتبط با ادله، قواعد، مقررات کانون وکلای بین‌المللی (IBA) پیرامون تحصیل دلیل در داوری بین‌المللی مصوب ۲۰۱۰ با اصلاحات ۲۰۲۰ می‌توانند و باید به‌عنوان راهنمایی مؤثر مورد استفاده قرار گیرند. این مقررات با هدف ارائه مجموعه‌ای از

¹⁰ . Court of Arbitration for Sport (CAS). Bulletin TAS / CAS Bulletin 2015/1. p. 29.

¹¹ . Suisse. Loi fédérale sur le droit international privé (LDIP) du 18 décembre 1987. État au 1er janvier 2025. Art. 182. Disponible sur : https://www.fedlex.admin.ch/eli/cc/1988/1776_1776_1776/fr

¹² . Suisse. Loi fédérale sur le droit international privé (LDIP) du 18 décembre 1987. État au 1er janvier 2025. Art. 182. Disponible sur : https://www.fedlex.admin.ch/eli/cc/1988/1776_1776_1776/fr

¹³ . Court of Arbitration for Sport (CAS). Bulletin TAS / CAS Bulletin 2015/1. p. 29.

اصول راهنما تدوین شده‌اند تا روند ارائه و جمع‌آوری ادله - به‌ویژه تحصیل دلیل به معنای خاص آن - در داوری‌های بین‌المللی هماهنگ و یکدست شود.^{۱۴}

ناگفته نماند که تنها مقرره‌ای از فصل دوازدهم قانون داوری بین‌المللی سوئیس که به‌طور خاص به مسائل ادله‌ای اختصاص دارد، ماده ۱۸۴ است. این ماده تحت عنوان «اخذ ادله» بیان می‌دارد: «هیئت داوری شخصاً باید فرآیند اخذ ادله را انجام دهد» (بند اول)، و همچنین تصریح می‌کند: «در صورتی که کمک مقامات قضایی دولتی برای اخذ ادله ضروری باشد، هیئت داوری یا یکی از طرفین با موافقت هیئت داوری، می‌تواند از قاضی دولتی در محل استقرار هیئت داوری درخواست مساعدت نماید؛ قاضی باید مطابق با قوانین خود عمل کند».^{۱۵}

برای سایر مسائل مربوط به ادله، مقرره حاکم، ماده کلی مربوط به روند داوری یعنی ماده ۱۸۲ قانون داوری بین‌المللی سوئیس است. این ماده تحت عنوان «اصل» بیان می‌دارد که «طرفین می‌توانند روند داوری را، به‌صورت مستقیم یا با ارجاع به قواعد داوری، تعیین کنند» (بند اول) و همچنین تصریح می‌کند: «در صورتی که طرفین قانون حاکم بر داوری را تعیین نکرده باشند، هیئت داوری باید به میزان لازم، روند را به‌صورت مستقیم یا با ارجاع به قانون یا قواعد داوری تعیین نماید» (بند دوم)، با این ملاحظه که «صرف‌نظر از روند انتخاب‌شده، هیئت داوری باید رفتار برابر با طرفین و حق هر دو طرف برای استماع شدن در فرآیند ترفعی را تضمین کند» (بند سوم).^{۱۶}

به‌طور کلی، منظور این است که همه مسائل مربوط به ارائه و بررسی ادله در داوری‌های ورزشی، طبق مقررات داوری مرتبط با ورزش بررسی می‌شود. اگر این مقررات درباره یک موضوع خاص ساکت باشد یا چیزی نگفته باشد، هیئت داوری دیوان داوری ورزش که برای رسیدگی به پرونده انتخاب شده، خودش تصمیم می‌گیرد که چطور با آن مسئله برخورد کند و از چه روند یا مقرراتی پیروی کند. در واقع، وقتی طرفین یک اختلاف آن را به دیوان داوری ورزش ارجاع می‌دهند، یعنی به‌طور غیرمستقیم پذیرفته‌اند که روند داوری بر اساس آیین‌نامه دیوان داوری ورزش باشد. بنابراین این آیین‌نامه، در عمل همان قواعد داوری است که ماده ۱۸۲(۱) قانون داوری بین‌المللی سوئیس به آن اشاره کرده است.^{۱۷}

۲/۱ مقررات دیوان داوری ورزش ناظر بر ادله

¹⁴ . Mirshahpanah, Z., Mafi, H., Darooei, A. A Comparative Study of the Taking of Evidence by the Arbitrator in the Legal Systems of Iran and the United States and the Rules of International Bar Association. *Comparative Law Review*, 2023; 14(1): 539-562. doi: 10.22059/jcl.2022.346687.634406

¹⁵ . Rigozzi A, Quinn B. Evidentiary issues before CAS. In: Bernasconi M, editor. *International sports law and jurisprudence of the CAS - 4th Conference CAS & SAV/FSA Lausanne 2012*. Lausanne: Editions Weblaw; 2014. p. 3. Available from: <https://ssrn.com/abstract=2438570>

¹⁶ . Rigozzi A, Quinn B. Evidentiary issues before CAS. In: Bernasconi M, editor. *International sports law and jurisprudence of the CAS - 4th Conference CAS & SAV/FSA Lausanne 2012*. Lausanne: Editions Weblaw; 2014. p. 3. Available from: <https://ssrn.com/abstract=2438570>

¹⁷ . Rigozzi A, Quinn B. Evidentiary issues before CAS. In: Bernasconi M, editor. *International sports law and jurisprudence of the CAS - 4th Conference CAS & SAV/FSA Lausanne 2012*. Lausanne: Editions Weblaw; 2014. p. 3. Available from: <https://ssrn.com/abstract=2438570>

مقررہ مندرج در ماده R44.1 بند ۲ - رسیدگی‌های عادی - و ماده R56 بند ۱ - رسیدگی‌های تجدیدنظر - بیان می‌کند که پس از مبادله اسناد کتبی یا پس از تسلیم دادخواست تجدیدنظر و پاسخ آن، امکان تکمیل یا اصلاح درخواست‌های طرفین وجود ندارد. بنابراین، از طرفین انتظار می‌رود که فهرستی از شاهدان خود شامل خلاصه‌ای از شهادت پیش‌بینی شده آن‌ها، و فهرستی از کارشناسان خود با تعیین حوزه تخصصی آن‌ها را ارائه دهند، و همچنین هر اقدام اثباتی دیگری که درخواست می‌کنند را بیان نمایند. استثنایی در این زمینه وجود دارد اگر طرفین با تأخیر در ارائه اسناد موافقت کنند یا اگر هیئت داورى - در روندهای عادی - یا رئیس هیئت داورى - در روندهای تجدیدنظر - به دلیل شرایط استثنائی موافقت کنند که اسناد دیرتر پذیرفته شوند.^{۱۸} علاوه بر این، اختیارات رئیس هیئت داورى برای پذیرش اسناد جدید به ماده R44.3 بند ۲ طبق مقررات داورى مرتبط با ورزش ارتباط دارد که به طور معادل برای روندهای تجدیدنظر بر اساس ماده R57 طبق مقررات داورى مرتبط با ورزش اعمال می‌شود. بر این اساس، رئیس هیئت داورى می‌تواند در هر زمان دستور ارائه مستندات اضافی یا بررسی شاهدان را صادر کند، اگر این کار را برای تکمیل ارائه‌های طرفین مناسب بداند.^{۱۹}

۲. انواع ادله در دیوان داورى ورزش

ادله در داورى ورزشی انواع مختلفی دارد؛ مثل مستندات، اظهارات شهود و نظرات کارشناسان. مستندات، همان اسناد کتبی‌ای هستند که طرفین ارائه می‌کنند و به آن‌ها «ادله مستند» گفته می‌شود. اما اظهارات شهود و کارشناسان ممکن است به صورت کتبی یا شفاهی ارائه شوند. ادله مستند می‌تواند شامل مواردی مثل اظهارات کتبی شهود، ویدئو، مقاله‌های مطبوعاتی یا گزارش‌های دیگر باشد.^{۲۰} مقررات داورى مرتبط با ورزش بین دو نوع از شهادت‌ها یا نظرات کارشناسی تفاوت قائل شده است: طبق ماده R44.2، طرفین می‌توانند شهود و کارشناسان خودشان را معرفی کنند. در حالی که ماده R44.3 به هیئت داورى این اختیار را می‌دهد که در صورت لزوم - چه به درخواست یکی از طرفین، چه به ابتکار خود هیئت - اقدامات اثباتی خاصی را دستور دهد.^{۲۱}

در رسیدگی‌های داورى ورزشی، طرفین حق دارند ادله‌ی خود را به هیئت داورى ارائه دهند؛ این ادله باید مرتبط، به موقع و به درستی ارائه شود. طرفین همچنین باید از ادله‌ی طرف مقابل مطلع شوند و بتوانند درباره آن نظر دهند. طبق ماده R44.1، باید نام کامل شهود ذکر شود، نه فقط عنوان آن‌ها. پذیرش یا رد ادله به تشخیص هیئت داورى است. نادیده گرفتن کامل یک ادعا ممکن است در موارد استثنایی به نقض حق دفاع منجر شود. پیش از شهادت شهود و کارشناسان، رئیس هیئت از آن‌ها

¹⁸ . Court of Arbitration for Sport. *Code of Sports-related Arbitration* [Internet]. Lausanne: Court of Arbitration for Sport; 2023. Arts. R44.1. R56 Available from: <https://www.tas-cas.org/en/arbitration/code-of-sports-related-arbitration.html>

¹⁹ . Court of Arbitration for Sport (CAS). *Bulletin TAS / CAS Bulletin* 2015/1. p. 30.

²⁰ . Mavromati D, Reeb M. *The Code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, Cases and Materials*. Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer Law & Business; 2015. p. 331.

²¹ . Mavromati D, Reeb M. *The Code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, Cases and Materials*. Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer Law & Business; 2015. p. 331.

می‌خواهد که حقیقت را بگویند؛ این تعهد شامل مترجمان نیز می‌شود. بنابراین، وکیل یکی از طرفین نمی‌تواند به‌عنوان مترجم بی‌طرف عمل کند.^{۲۲}

با توجه به مطالب فوق، اساساً در دیوان داورى ورزش سه نوع ادله وجود دارد: ۱. مدارک ۲. شهود و اظهارات شهود ۳. شهود کارشناسی. در ادامه پیرامون هر یک از این موارد بیشتر توضیح داده خواهد شد.

۱/۲ مدارک

طبق مواد R51(1) و R55(1) آیین‌نامه، طرفین دعوی موظف‌اند همراه با اظهارنامه‌های خود، تمامی مدارک و مستندات را که قصد دارند به آن‌ها استناد کنند، ارائه دهند. بر اساس تعریف "مدرك" در قواعد IBA، این مدارک تنها به اسناد کاغذی محدود نمی‌شوند، بلکه شامل هر نوع نوشتار، ارتباط، تصویر، طرح، برنامه یا داده‌ای از هر نوع، اعم از کاغذی یا الکترونیکی، صوتی، تصویری یا هر وسیله دیگر می‌شوند. بنابراین، هر طرف موظف است تمام مدارک مستند حمایتی از پرونده خود را همراه با اظهارنامه مربوطه ارائه دهد.^{۲۳}

۲/۲ شهود و اظهارات شهود و گزارش‌های کارشناسان

در داورى‌های دیوان ورزش، قواعد مشخصی برای تعریف یا آماده‌سازی شهود وجود ندارد. هیئت داورى می‌تواند نحوه اخذ شهادت را تعیین کند. هر فردی، مانند مربی یا مدیر باشگاه، می‌تواند به‌عنوان شاهد حضور یابد و مسئولیت حضور شهود بر عهده طرفین دعواست. اگر شاهد در جلسه حاضر نشود، اظهارات کتبی او معمولاً نادیده گرفته می‌شود، مگر اینکه طرفین توافق کنند و اظهارات قبلاً ارائه شده باشد. در صورت امتناع شاهد از حضور، هیئت داورى نمی‌تواند او را احضار کند، اما می‌تواند از دادگاه صلاحیت‌دار درخواست کمک قضایی کند. در پرونده‌های دوپینگ، اگر ورزشکار از ارائه شهادت خودداری کند، هیئت داورى می‌تواند این امتناع را به ضرر او تفسیر کند؛ بنابراین، حضور ورزشکار در جلسه و آمادگی برای پاسخ‌گویی به سؤالات توصیه می‌شود.^{۲۴}

در دعاوی ناشی از دوپینگ، همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، خودداری از شهادت یا پاسخ‌گویی می‌تواند تبعات حقوقی سنگینی به‌دنبال داشته باشد. در پرونده‌ی جی علیه آژانس ملی مبارزه با دوپینگ ایالات متحده آمریکا، این مسئله به‌روشنی

²² . Mavromati D, Reeb M. The Code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, Cases and Materials. Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer Law & Business; 2015. p. 333.

²³ . Rigozzi A, Quinn B. Evidentiary issues before CAS. In: Bernasconi M, editor. *International sports law and jurisprudence of the CAS - 4th Conference CAS & SAV/FSA Lausanne 2012*. Lausanne: Editions Weblaw; 2014. pp. 5.6. Available from: <https://ssrn.com/abstract=2438570>

²⁴ . Court of Arbitration for Sport (CAS). Bulletin TAS / CAS Bulletin 2015/1. p. 32.

مطرح شد. جی، یک ورزشکار حرفه‌ای رشته دو و میدانی، به ارتکاب دوپینگ متهم شده بود. اهمیت این پرونده در آن است که نشان داد حتی در غیاب آزمایش مثبت دوپینگ، می‌توان ارتکاب دوپینگ را از طریق ادله‌ای چون اعترافات، مستندات و شهادت شهود، اثبات کرد.

موضوع بسیار مهمی که در این پرونده مطرح شد که استنباط مخالف^{۲۵} (adverse inference) هیئت داورى بود. به لحاظ اهمیت بالای این موضوع، دیوان در این رای تصریح نمود:

« در پرونده حاضر، وضعیت مشابهی وجود دارد. خانم جی. فرصت‌های متعددی برای ارائه توضیحات تبرئه‌آمیز درباره اظهارات خود که نشان‌دهنده گناه اوست، داشته است. او می‌توانست این اظهارات را انکار کند. هیئت داورى حتی به او پیشنهاد نادری داد تا در صورت تمایل، پیش از نتیجه‌گیری منفی از امتناع او از شهادت، موضع خود را بازنگری کند؛ اما او این پیشنهاد را رد کرد. از آنجا که خانم جی. هیچ مدرکی درباره مکالماتش با آقای وی.، به‌ویژه اعتراف به استفاده از ماده ممنوعه "Clear"، ارائه نکرده است، هیئت داورى تنها می‌تواند به شهادت آقای وی. استناد کند. این شهادت نه تنها به ضرر خانم جی. است، بلکه برای پرونده او مهملک محسوب می‌شود. با توجه به وجود شواهد مستقیم و قانع‌کننده که بدون مخالفت باقی مانده‌اند، نیازی به نتیجه‌گیری منفی اضافی از امتناع متهم از شهادت نیست؛ زیرا همین شواهد برای اثبات گناه کافی هستند»^{۲۶}

بنابراین همانطور که دیوان داورى ورزش در این رای تصریح نموده است، عدم شهادت فردی که به دوپینگ متهم شده است، خطایی مهملک محسوب می‌شود. در داورى‌های دادگاه عالی ورزش، اصول مربوط به ارائه شهادت کارشناسی مشابه با اصول مربوط به شهادت شهود است. طرفین دعوا موظفند اسامی کارشناسان خود را همراه با حوزه تخصصی آن‌ها اعلام کنند.

۳. اصل مسئولیت عینی

اصل مسئولیت عینی، علی‌رغم آن که در آیین‌نامه و بیشتر آیین‌نامه‌های فدراسیون‌های جهانی و سازمان‌های مبارزه با دوپینگ صراحتاً ذکر شده است، تا قبل از تشکیل آژانس نیز در رویه دیوان به عنوان یک اصل مورد استناد قرار گرفته است و نمی‌توان آن را به عنوان ابداع یا نوآوری آژانس یا آیین‌نامه دانست.^{۲۷} پر واضح است که نظام مقابله با دوپینگ به دنبال جریمه ورزشکاران نیست، بلکه بیشتر بر آن است که با اعمال مجازات‌های انضباطی از تکرار آن جلوگیری و همچنین از حقوق دیگر ورزشکاران

^{۲۵}. در حقوق داورى، به‌ویژه در دعاوی دوپینگ، زمانی که یک طرف از ارائه اسناد، مدارک یا حضور برای ادای توضیح خودداری کند، هیئت داورى می‌تواند این امتناع را به ضرر آن طرف تفسیر کند. این برداشت که به آن استنباط مخالف گفته می‌شود، نوعی نتیجه‌گیری منطقی و حقوقی است که بر اساس رفتار طرفین، نه صرفاً شواهد موجود، صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، اگر ورزشکار یا شاهدی از پاسخ‌گویی یا ارائه مستندات طفره رود، هیئت داورى می‌تواند چنین برداشت کند که اگر آن اسناد ارائه می‌شد، به ضرر شخص خودداری‌کننده بود. این اصل در رویه دیوان داورى ورزش و سایر مراجع داورى نیز به رسمیت شناخته شده است.

^{۲۶}. United States Anti-Doping Agency v. G. Arbitration CAS 2004/O/649. Award of 13 December 2005, para 15.

^{۲۷}. Richard H. McLaren, "CAS Doping Jurisprudence: What Can We Learn?", ISLR 1 (2006): 10-18.

صیانت نماید. می‌توان ادعا نمود که از مهم‌ترین اصولی که در دعاوی مربوط به دوپینگ مطرح شده است، اصل مسئولیت عینی می‌باشد.

اصولاً ماهیت دوپینگ امری است که یک رفتار مخفی عامدانه تلقی می‌گردد و قصد به عنوان یکی از ادله قاطع می‌باشد که تحصیل آن غیر ممکن است؛ بنابراین با گذشت زمان اصل مسئولیت عینی در قضایای مربوط به دوپینگ پذیرفته شده است.^{۲۸} اصل مسئولیت عینی در رسیدگی‌های مربوط به پرونده‌های دوپینگ بدین معنا می‌باشد که در تحقق نقض مقررات ضد دوپینگ اهمیتی ندارد که ورزشکار مرتکب خطا یا سهل انگاری شده است یا خیر و یا حتی تخلف از مقررات ضد دوپینگ عامدانه بوده است یا سهواً. یکی دیگر از دلایل بهره بردن از مسئولیت عینی جلوگیری از سوءاستفاده همراهان^{۲۹} ورزشکار برای تزریق یا خوراندن مواد نیروزا - بدون اطلاع وی - به او است. فلذا، این مسئولیت ورزشکار است که از هر ماده‌ای که وارد بدن او می‌شود، اطلاع داشته باشد.^{۳۰}

دیوان در یکی از اولین پرونده‌های مرتبط با دوپینگ، هنگام مواجهه با مفاد مقررات ضد دوپینگ فدراسیون بین‌المللی اسب سواری که محرومیت خودکار ورزشکار^{۳۱} را در صورت مثبت شدن آزمایش دوپینگ تعیین کرده بود، از اصل "مسئولیت عینی محض"^{۳۲} نام برد.^{۳۳} البته شایان ذکر است که در آن زمان مقررات ضد دوپینگ کمیته بین‌المللی المپیک نیز حاوی اصل مسئولیت عینی بود.^{۳۴}

اصل مسئولیت عینی همچنین در رای دیگری که دیوان مقررات ضد دوپینگ فدراسیون جهانی شنا^{۳۵} را اعمال می‌نمود، مورد تأیید و شناسایی قرار گرفت و دیوان تصریح کرد که هیچ رابطه‌ای میان محرومیت ورزشکار و قصد وی وجود ندارد.^{۳۶} بنابراین دیوان مقررات مقابله با دوپینگ فدراسیون جهانی شنا را همانگونه که بود اجرا نمود و اعتبار آنها را زیر سوال نبرد. به دیگر سخن، دیوان اصل مسئولیت عینی را همانطور که در مقررات وجود داشت اعمال نمود. با اینحال دیوان قائل به این موضوع نیز بود که اعمال اصل مسئولیت عینی می‌تواند دشوار و همچنین ناعادلانه تلقی گردد، اما دیوان منافع جمعی را بر منافع فردی مرجح دانست. این بدان مفهوم است که ولو اینکه ورزشکاری کاملاً بیگناه از مدالی محروم شود، بهتر و عادلانه‌تر از آن است که در مسابقه‌ای ورزشکاری نسبت به دیگر ورزشکاران پاک با استفاده مواد ممنوعه برتری داشته باشد. در قضیه کویگلی علیه اتحادیه بین‌المللی تیراندازی، دیوان ضرورت اعمال اصل مسئولیت عینی را بیان کرد. قضیه مزبور در رابطه با ورزشکاری به نام جورج کویگلی، تیرانداز آمریکایی می‌باشد که در سال ۱۹۹۴ در مسابقات بین‌المللی تیراندازی عضو تیم ایالات متحده بود. این

۲۸. وکیل، حقوق بین‌الملل ورزش و فوتبال، ۸۱.

۲۹. "همراهان متشکل از همه افراد مرتبط با ورزشکاران، از جمله مدیران، عوامل، مربیان، مربیان بدنی، کادر پزشکی، دانشمندان، سازمان‌های ورزشی، حامیان مالی، و کلا و هر شخصی که حرفه ورزشی ورزشکار را ارتقا می‌دهد، از جمله اعضای خانواده است.

۳۰. صارمی، مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال زور افزایی (دوپینگ) سازمان‌یافته؛ مطالعه موردی روسیه، ۴۱.

۳۱. Automatic Disqualification.

۳۲. Pure Strict Liability.

۳۳. Court of Arbitration for Sport, CAS 92/63, *G v. Fédération Equestre Internationale (FEI)*, Award, 10 September 1992.

۳۴. Arbitration CAS ad hoc Division (O.G. Nagano) 98/002 R. / International Olympic Committee (IOC), award of 12 February 1998.

۳۵. Federation Internationale de Natation Amateur.

۳۶. There is no tie between sanction and intent.

ورزشکار در شب مسابقه دچار برونشیت و متعاقب آن تب و حالت تهوع شد. به دنبال این اتفاق دکتر هتل محل اقامت این ورزشکار پس از معاینه این ورزشکار داروهای را برای او تجویز می‌نماید.^{۳۷} لازم به ذکر است که دکتر معالج این ورزشکار پس از اینکه فهرستی از مواد ممنوعه به او داده شد، اظهار داشت که هیچ یک از داروهای تجویز شده حاوی ماده ممنوعه نیستند.^{۳۸} پس از پیروزی در مسابقه، آزمایش کویگلی برای ماده ممنوعه افدرین^{۳۹} که یک ماده فعال در شربت سرفه بود، مثبت شد. فدراسیون جهانی تیراندازی و دیوان، توضیح کویگلی در مورد چگونگی ورود این ماده ممنوعه به بدن او را زیر سوال نبردند. در نتیجه فدراسیون جهانی تیراندازی کویگلی را ضمن اینکه به مدت ۳ ماه محروم کرد، مدال طلای وی را نیز از وی بازپس گرفت. از آنجایی که مسابقات مزبور فرصتی برای کسب سهمیه المپیک نیز بود، بدین ترتیب، تیم ایالات متحده سهمیه المپیک را نیز از دست داد.

دیوان در این رای اذعان داشت که مقابله با دوپینگ امری طاقت فرسا می‌باشد و به همین دلیل، سیاست‌های بعضاً سختگیرانه-ای را اقتضاء می‌نماید. اعضای هیئت رسیدگی کننده به این قضیه متذکر شدند که اگرچه محرومیت ورزشکاری که در ورود ماده ممنوعه به بدن خویش تقصیری نداشته ناعادلانه است، اما برتری این ورزشکار از رقیبان خود ناعادلانه تر خواهد بود.^{۴۰} دیوان تصریح نمود:

«دیوان اصولاً آمادگی دارد که اصل مسئولیت عینی را اعمال نماید، با اینحال از استدلال‌هایی که در مخالفت با این اصل مبنی بر آنکه غیر منطقی و مغایر با عدالت طبیعی^{۴۱} است، آگاه می‌باشد؛ اما نظر دیوان با چنین استدلال‌هایی همسو نیست و دیوان عقیده دارد که اهداف والای مقابله با دوپینگ، به اندازه کافی توجیه‌کننده اعمال این اصل می‌باشد.»^{۴۲}

بنابراین این رای را می‌توان نقطه عطفی در حوزه مبارزه با دوپینگ دانست؛ زیرا در رای مذکور دیوان به نوعی وجود و ضرورت اصل مسئولیت عینی را توجیه نمود. همانطور که دیوان بیان کرده است، اگرچه در نگاه اول اصل مسئولیت عینی در تضاد با اصل براءت و بی‌گناهی افراد است، اما شرایط خاص و دنیای ورزش اعمال این اصل را توجیه می‌نماید. در نگاه اول مسئولیت عینی ورزشکاران در تخلفات مربوط به دوپینگ ناعادلانه به نظر می‌رسد، اما واقعیت این است که به نظر نگارندگان اگرچه ممکن است در برخی مواقع، ورزشکاری که هیچ تقصیری در تخلف نداشته محروم شود اما، در نهایت این اصل به یکپارچگی نظام مقابله با دوپینگ کمک می‌کند. دیوان در حمایت از این اصل اشعار داشته است:

«مسلم است که اصل مسئولیت عینی می‌تواند در مورد ورزشکاری که به دلیل برچسب‌زنی^{۴۳} نادرست یا مشاوره نامناسب (که تقصیر وی نبوده است) دارویی را مصرف کرده باشد، از نظر فردی ناعادلانه

37. CAS 94/129, 23-5-1995, USA Shooting & Quigley v. UIT .

38. Ibid.

39. Ephedrine.

40. CAS 94/129, 23-5-1995, USA Shooting & Quigley v. UIT at 193.

41. Natural justice.

42. Ibid.

43. Labeling.

به نظر برسد؛ اما همین مورد برای ورزشکاری که در شب قبل از مسابقه به علت مسمومیت غذایی بیمار شده است، نیز صدق می‌کند. با این حال در هر دو مورد، قوانین رقابت به دلیل عدم انصاف تغییر نخواهند کرد. همانطور که به منظور انتظار برای بهبود یک ورزشکار، مسابقه به تعویق نمی‌افتد، ممنوعیت استفاده از مواد ممنوعه همچنان به دلیل مصرف ناخواسته و تصادفی آن کماکان اجرا می‌شود.^{۴۴}

در نگاه اول، رویکرد دیوان بسیار سختگیرانه به نظر می‌رسد، اما به راستی آیا امکان اثبات عمدی بودن مصرف مواد ممنوعه توسط هر ورزشکاری ممکن است؟ به زعم نگارندگان در زمینه مقابله با دوپینگ اثبات عمدی بودن یا غیر عمدی بودن مصرف مواد ممنوعه در عمل غیر ممکن یا حداقل بسیار سخت می‌باشد. اگر قرار باشد هر سازمان ضد دوپینگ یا دیوان، عمدی بودن نقض تخلفات ضد دوپینگ را اثبات نماید، آسیبی جدی متوجه نظام مبارزه با دوپینگ خواهد بود. در ادامه به موضوع بار اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ و استانداردهای حاکم بر آن پرداخته شده است.

۱/۳ اثبات تخلف ورزشکار

بر اساس اصلی بنیادین که در بسیاری از نظام‌های حقوقی و قوانین و مقررات داخلی کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است، بار اصلی اثبات یک ادعا بر عهده مدعی است (Actori Incumbit Probatio). لکن، بنا به دلایل مختلف، تبعیت کامل از قواعد و مقررات نظام‌های داخلی در ارتباط با بار اثبات دعوی در دادرسی‌های بین‌المللی ممکن نبوده است.^{۴۵} ماده ۳ آیین‌نامه به موضوع بار اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ اختصاص یافته است. طبق بند (۱) ماده ۳ این سند، بار اثبات نقض مقررات ضد دوپینگ بر عهده سازمان‌های ضد دوپینگ می‌باشد. بنابراین این سازمان‌های ضد دوپینگ و فدراسیون‌ها^{۴۶} هستند که می‌بایست نقض مقررات ضد دوپینگ توسط ورزشکار را اثبات نمایند. این موضوع به نظر کاملاً منطقی و منصفانه است؛ چرا که معقول نیست ورزشکاران بدون اینکه یک نهاد مبارزه با دوپینگ با ارائه ادله واقعی نقض مقررات دوپینگ توسط آن‌ها را اثبات کنند، مجبور به پاسخگویی و دفاع از خود باشند.

بنابراین، سازمان ضد دوپینگ مکلف است وجود نقض مقررات ضد دوپینگ را ثابت نماید. مناط و معیار اثبات، «اقتناع اجمالی»^{۴۷} هیئت رسیدگی کننده است. به دیگر سخن، هیئت رسیدگی کننده باید به طور اجمالی از نقض مقررات ضد دوپینگ قانع شوند.

44. CAS 94/129, 23-5-1995, USA Shooting & Quigley v. UIT at /129.

۴۵. سید حسین سادات میدانی، «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوی در رویه قضایی بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی ۴۲، ۱ (۱۳۹۱): ۱۶۳.

۴۶. بیشتر پرونده‌های مربوط به دوپینگ توسط فدراسیون‌های بین‌المللی یا توسط سازمان‌های مقابله با دوپینگ مطرح می‌شوند.

47. Comfortable Satisfaction:

در متن انگلیسی از واژه مزبور استفاده شده است در صورتی که در متن فرانسوی صفتی وجود ندارد و صرفاً la satisfaction استفاده شده است. نگارندگان ترجمه «اقتناع اجمالی» را انتخاب نموده‌اند که البته در صورت پیشنهاد ترجمه‌ای مناسب‌تر، از آن استقبال می‌شود.

اقتناع اجمالی استاندارد بالتر از «معیار توازن احتمالات»^{۴۸} و پایین تر از «معیار فراتر از شک معقول»^{۴۹} است.^{۵۰} در اعمال اصل مسئولیت عینی و به منظور احراز صلاحیت «علی الظاهر»^{۵۱} وفق بند (۱) ماده ۲، سازمان ضد دوپینگ صالح، می‌بایست هیئت-رسیدگی کننده را به طور اجمالی در رابطه با موارد زیر قانع نماید:

(۱) نمونه سالم است و طبق مقررات حاکم جمع‌آوری شده است؛

(۲) نتیجه مثبت آزمایش دوپینگ قابل اعتماد است؛

(۳) ماده ممنوعه یافت شده در نمونه ورزشکار، در فهرست مواد ممنوعه می‌باشد.^{۵۲} بنابراین صرف مثبت شدن نمونه ورزشکار، محرومیت وی را به موجب اصل مسئولیت عینی به دنبال خواهد داشت.

برای همین دیوان در رای الکساندر زوبکف علیه کمیته بین‌المللی المپیک مورخ ۲۰۱۸ تصریح نمود:

«هیئت رسیدگی کننده اجزا مسئولیت ورزشکار در قبال نقض مقررات دوپینگ مربوطه را به طور دقیق بررسی خواهد نمود. بعد از این مرحله، هیئت رسیدگی کننده مجموع ادله‌ای را که در اختیار دارد- با در نظر داشتن معیار اقتناع اجمالی- مورد بررسی قرار خواهد داد و نتیجتاً می‌تواند تعیین کند که ورزشکار فعل و ترک فعل‌های لازم برای تحقق نقض مقررات ضد دوپینگ را مرتکب شده است یا خیر.»^{۵۳}

بنابراین در دیوان، اولین قدم هیئت‌های رسیدگی کننده بررسی این مهم می‌باشد که به صورت علی‌الظاهر نقض مقررات ضد دوپینگ صورت گرفته است یا خیر. معیاری که در اثبات این موضوع مورد استفاده قرار می‌گیرد نیز معیار اقتناع اجمالی^{۵۴} می‌باشد. موضع دیوان در این زمینه نیز روشن است. برای دیوان، معیار اقتناع اجمالی، یک معیار متغیر نیست؛ به دیگر سخن تفاوت ندارد که کدام بند از ماده ۲ نقض شده است.^{۵۵} بنابراین در اثبات نقض بند (۱) ماده ۲ آیین‌نامه، صرف وجود ماده ممنوعه در نمونه ورزشکار برای اثبات مسئولیت وی، کافی است.

۲/۳ انواع ادله در دعوای ناشی از دوپینگ

اختلافات مربوط به دوپینگ معمولاً مبتنی بر واقعیت هستند؛ ویژگی‌ای که این نوع اختلافات را به‌ویژه برای حل و فصل از طریق داور مناسب می‌سازد.^{۵۶} در بررسی ادله قابل پذیرش در دعوای مرتبط با دوپینگ، علاوه بر چارچوب‌های حقوقی پیشین، توجه

⁴⁸. Balance of probabilities - prépondérance des probabilités.

⁴⁹. Beyond a reasonable doubt - au-delà du doute raisonnable.

⁵⁰. Art. 3,1 WADC.

⁵¹. Prima facie.

⁵². Adam Lewis Qc and Jonathan Taylor Qc, Sport: Law and Practice (UK: Bloomsbury, 2021) 24-28.

⁵³. Arbitration CAS 2017/A/5422 Aleksandr Zubkov v. International Olympic Committee (IOC), award of 23 April 2018 p. 695.

⁵⁴. در دیوان داور ورزش، برای اثبات تخلف دوپینگ از معیار اثبات «اقتناع اجمالی» (Comfortable Satisfaction) «استفاده می‌شود که از نظر شدت، بین «توازن احتمالات» (Balance of Probabilities) و «فراتر از شک معقول» (Beyond Reasonable Doubt) قرار دارد. این معیار به داوران اجازه می‌دهد که در صورتی که با در نظر گرفتن تمام شواهد و قرائن موجود، به‌طور معقول و کافی قانع شود که تخلف رخ داده، رأی به اثبات آن صادر کند.

⁵⁵. Legkov v. IOC, CAS 2017/ a/ 5379, para 706.

⁵⁶. Viret M. Evidence in Anti-Doping at the Intersection of Science & Law. The Hague: T.M.C. Asser Press; 2015. p. 543.

به آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ^{۵۷} نیز ضروری است. ماده ۳/۲ این آیین‌نامه تصریح می‌کند که «حقایق مربوط به نقض قوانین ضد دوپینگ می‌توانند از طریق هر وسیله قابل اطمینان، از جمله اعترافات، اثبات شوند». در تفسیر این ماده، نمونه‌هایی از ادله قابل استناد ارائه شده است، از جمله:

- اعترافات ورزشکار؛
- شهادت معتبر اشخاص ثالث؛
- مدارک مستند قابل اعتماد؛
- داده‌های تحلیلی موثق از نمونه‌های A یا B؛
- نتایج حاصل از پروفایل مجموعه‌ای از نمونه‌های خون یا ادرار ورزشکار، مانند داده‌های گذرنامه بیولوژیکی.

عبارت «برای مثال» در ابتدای تفسیر نشان می‌دهد که این موارد حصری نیستند و سایر ادله معتبر نیز می‌توانند مورد استناد قرار گیرند.^{۵۸} این رویکرد نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری آیین‌نامه در پذیرش انواع مختلف ادله برای اثبات تخلفات ضد دوپینگ است. آزادی دیوان داور ورزش در پذیرش هرگونه وسیله قابل اطمینان برای اثبات تخلفات ضد دوپینگ، به‌عنوان یک مزیت و حتی ضرورت برای توسعه علم مبارزه با دوپینگ تلقی می‌شود. این انعطاف‌پذیری به سازمان‌های ضد دوپینگ اجازه می‌دهد تا از روش‌های نوین علمی، مانند گذرنامه بیولوژیکی ورزشکار و تکنیک‌های تحلیلی پیشرفته، در فرآیند رسیدگی به تخلفات استفاده کنند. چنین رویکردی برای مقابله مؤثر با روش‌های پیچیده دوپینگ و حفظ سلامت و عدالت در ورزش ضروری است.^{۵۹} لازم به یادآوری است که استفاده از شواهد بدست آمده به شیوه‌های مشکوک در دعاوی ورزشی، به‌ویژه در دیوان داور ورزش، همچنان رایج است. در برخی پرونده‌ها، مانند پرونده ورزشکاران روسی، شواهدی که از طریق هک یا روش‌های غیرقانونی به‌دست آمده‌اند، مورد استفاده قرار گرفته‌اند. بر اساس قانون سوئیس، شواهد به‌دست آمده به‌طور غیرقانونی فقط در صورتی قابل قبول هستند که منافع عمومی یا نیاز به کشف حقیقت مطرح باشد. دیوان داور ورزش در موارد مختلفی، مانند پرونده‌های فساد در فوتبال، استفاده از چنین شواهدی را پذیرفته است، به‌ویژه در مواقعی که ابزارهای تحقیقاتی محدود باشد. در پرونده‌های مربوط به ورزشکاران روسی نیز، شواهد به‌دست آمده از طریق هک بررسی شده، اما هیچ‌کدام از طرفین این مسئله را مطرح نکردند.^{۶۰}

⁵⁷ . World Anti-Doping Code

⁵⁸ . World Anti-Doping Agency. World Anti-Doping Code 2021, Article 3.2 [Internet]. Montreal: WADA; 2021 [cited 2025 Apr 12]. Available from: https://www.wada-ama.org/sites/default/files/resources/files/2021_wada_code.pdf

⁵⁹ . Viret M. Evidence in Anti-Doping at the Intersection of Science & Law. The Hague: T.M.C. Asser Press; 2015. p. 545.

⁶⁰ . Rusin, A. (2018, February 16). Using illegally obtained evidence in the Court of Arbitration for Sport. CIS Arbitration. <https://cisarbitration.com/2018/02/16/using-illegally-obtained-evidence-in-the-court-of-arbitration-for-sport/>.

در پرونده‌های دوپینگ، به دلیل ساختار پیچیده و تخصصی نظام ضد دوپینگ، تشخیص دقیق نقش فردی که درباره مسائل علمی صحبت می‌کند معمولاً دشوار است. در عمل، مرز روشنی بین شهادت در مورد واقعیت‌ها، ارائه نظر تخصصی و حتی تفسیر حقوقی وجود ندارد.

سه نوع نقش ترکیبی مهم در این زمینه دیده می‌شود:

- **شاهد-کارشناس:** مثلاً یک پزشک یا مأمور نمونه‌گیری می‌تواند هم درباره آنچه دیده توضیح دهد و هم درباره جنبه‌های علمی فرآیند نظر بدهد.
- **کارشناس وابسته به طرف دعوا:** مثلاً پزشکی که از سوی آژانس ضد دوپینگ فراخوانده می‌شود، ممکن است وابسته به همان نهاد باشد، نه فردی مستقل.
- **کارشناس حقوقی-علمی:** گاهی کارشناسان علمی باید درباره تفسیر مقررات فنی که جنبه حقوقی دارند نظر بدهند، نه فقط توضیح علمی ارائه کنند.

در نهایت، این که فرد شاهد، کارشناس یا وابسته به یکی از طرفین باشد، معمولاً مانعی برای پذیرش اظهارات او نیست. اگر اعتراضی وجود داشته باشد، بیشتر مربوط به میزان اعتبار و ارزش اثباتی حرف‌های اوست، نه اینکه اصولاً بتواند شهادت بدهد یا نه.⁶¹

پرواضح است که اصولاً و در اکثر مواقع اثبات تخلف از مقررات با مثبت شدن آزمایش ورزشکار اثبات می‌شود. با این وجود دیوان داوری در رای آژانس ضد دوپینگ ایالات متحده آمریکا علیه فدراسیون جهانی دومیدانی مورخ ۲۰۰۴ بدون آزمایش مثبت ورزشکار و با تکیه بر اقرار غیرمستقیم، شهادت و عوامل محیطی دوپینگ ورزشکار را محرز دانست.⁶²

۴. مطالعه دو پرونده شاخص در زمینه دوپینگ

بسیاری از پرونده‌های مطرح شده در دیوان داوری ورزش ناشی از اختلافاتی به دلیل تخلفات از مقررات دوپینگ بوده‌اند؛ با این حال، برخی از این پرونده‌ها از جنبه‌های خاصی چالش‌برانگیزتر هستند. در این بخش، دو نمونه از پرونده‌های مرتبط با دوپینگ از منظر ادله ارائه‌شده مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱/۴. والورده علیه کمیته ملی المپیک ایتالیا؛ اعتبار ادله تحصیل شده به صورت غیرقانونی

پرونده دوچرخه‌سوار اسپانیایی، آلخاندرو والورده، در تاریخ‌های ۱۲ تا ۱۴ ژانویه ۲۰۱۰ در دیوان داوری ورزش در لوزان مورد رسیدگی قرار گرفت. این رسیدگی در پی اعتراض والورده به تصمیم کمیته ملی المپیک ایتالیا انجام شد؛ تصمیمی که در ۱۱ مه

⁶¹ . Viret M. Evidence in Anti-Doping at the Intersection of Science & Law. The Hague: T.M.C. Asser Press; 2015. p. pp549,550.

⁶² . USADA v. M. & IAAF, CAS 2004/O/645, award of 13 December 2005.

۲۰۰۹، وی را به دلیل نقض مقررات ضد دوپینگ به مدت دو سال از شرکت در رقابت‌های ورزشی در قلمرو ایتالیا محروم کرده بود. هرچند شکایت ابتدایی صرفاً علیه کمیته ملی المپیک ایتالیا مطرح شده بود، اما با درخواست این نهاد و موافقت دیوان، اتحادیه جهانی دوچرخه‌سواری و آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ نیز به دادرسی ملحق شدند.^{۶۳}

والورده اعتبار ادله علیه خود را زیر سؤال برد، از جمله مطابقت دی ان ای، نبود رضایت برای نمونه‌گیری، و ممنوعیت استفاده از مدارک پرونده عملیات پورتو. او کد ولو پی آی تی آی را بی‌ربط به خود دانست و مدارک را ناقض حقوق بنیادینش تلقی کرد. در مقابل، نهادهای مقابل ادعا کردند که تحلیل‌های دی ان ای معتبر و قانونی بوده، دستورات قضایی اسپانیا در دیوان داور ورزش الزام‌آور نیست و زنجیره حفاظتی نمونه‌ها رعایت شده است.^{۶۴}

در تصمیم خود، هیئت داور دیوان ورزش به اتفاق آرا حکم داد که ادله به‌دست آمده در جریان پرونده عملیات پورتو^{۶۵} برای دادرسی قابل پذیرش است. این ادله علمی شامل کیسه خون شماره ۱۸ بود که مشخص شد حاوی ماده محرک اریتروپویتین است و تحلیل‌های دی ان ای نیز به‌وضوح نشان داد که این خون متعلق به آقای والورده می‌باشد.^{۶۶}

اهمیت این پرونده در آن است که هیئت داور دیوان ورزش اعلام کرد نقض احتمالی قواعد همکاری قضایی – مادامی که به اصول بنیادین نظم عمومی مرتبط نباشد^{۶۷} مانعی برای بررسی و ارزیابی مدارکی مانند نتایج آزمایش‌های انجام‌شده بر کیسه‌های پلازما نیست؛ حتی اگر این مدارک از نظر یک دادگاه ملی به‌طور غیرقانونی به‌دست آمده باشند و از طریق نیابت قضایی فراهم شده باشند.^{۶۸}

کنتادور؛ گوشت آلوده؟

در پرونده آلبرتو کونتادور، دوچرخه‌سوار اسپانیایی، دیوان داور ورزش با بررسی اعتراضات آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ و اتحادیه جهانی دوچرخه‌سواری علیه تصمیم فدراسیون دوچرخه‌سواری اسپانیا^{۶۹} مبنی بر تبرئه وی، در نهایت وی را به دلیل وجود ماده ممنوعه «کلنبتورول» در نمونه ادرار، ناقض مقررات ضد دوپینگ شناخت. کونتادور مدعی بود که این ماده از طریق

⁶³ . Valverde v. CONI/UCI/WADA. (2010, January 17). LawInSport. Retrieved July 26, 2025, from <https://www.lawinsport.com/more/resources/cases/item/valverde-v-coniuciwada>.

⁶⁴ . Arbitration CAS 2009/A/1879 Alejandro Valverde Belmonte v. Comitato Olimpico Nazionale Italiano, award of 31 May 2010, paras. 97–98

⁶⁵ . Operación Puerto

⁶⁶ . Valverde, A. (2010, February 15). Two-year ban for Valverde. LawInSport. Retrieved July 26, 2025, from <https://www.lawinsport.com/more/resources/cases/item/two-year-ban-for-valverde>

⁶⁷ . به گفته دادگاه فدرال سوئیس، نظم عمومی آیین دادرسی به سادگی نقض نمی‌شود: نظم عمومی آیین دادرسی زمانی نقض می‌شود که اصول اساسی و مورد پذیرش همگانی زیر پا گذاشته شود و در نتیجه تناقضی غیرقابل تحمل با احساس عدالت به وجود آید، به گونه‌ای که تصمیم اتخاذشده با ارزش‌های شناخته‌شده در یک دولت قانونمدار ناسازگار به نظر برسد.

⁶⁸ . Court of Arbitration for Sport (CAS). Bulletin TAS / CAS Bulletin 2015/1. p. 65

⁶⁹ . Royal Spanish Cycling Federation

گوشت آلوده وارد بدنش شده، اما هیئت داورى با رد این ادعا، احتمال آلودگی از طریق مکمل غذایی را محتمل تر دانست، هرچند هیچیک از دو سناریو را قطعی ندانست. با توجه به اینکه هیچیک از شرایط کاهش مدت محرومیت محرز نشد، کونتادور به دو سال محرومیت از رقابت محکوم شد، که با احتساب تعلیق موقت پیشین، این محرومیت از ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز و تا ۵ اوت ۲۰۱۲ ادامه داشت. همچنین، نتایج او در تور دو فرانس ۲۰۱۰ و سایر مسابقاتی که پس از تاریخ مذکور در آن‌ها شرکت کرده بود، باطل اعلام شد.^{۷۰}

یکی از نکات مهم در پرونده آلبرتو کونتادور، بحث ارائه سند جدید بود. او تلاش کرد با اشاره به یک خبر منتشرشده درباره آلودگی گوشت در دانمارک، ثابت کند که کلنوتترول ممکن است از طریق گوشت آلوده وارد بدنش شده باشد. اما آژانس جهانی این خبر را بی‌ربط دانست، چون گوشت مورد بحث، گوشت خوک بود و موضوع آلودگی‌اش هم به سالمونلا ربط داشت، نه کلنوتترول.^{۷۱} با این حال، هیئت داورى دیوان داورى ورزش تصمیم گرفت این خبر را به پرونده اضافه کند، ولی در نهایت آن را بی‌فایده و غیرمرتبط ارزیابی کرد. این موضوع نشان می‌دهد که در دیوان داورى ورزش هر سند جدیدی بررسی می‌شود، اما اگر ارتباط مستقیم و علمی نداشته باشد، تأثیری در تصمیم نهایی ندارد.^{۷۲}

پرونده کونتادور از این جهت اهمیت دارد که نه تنها به چالش‌های اثبات آلودگی غیرعمدی در موارد مثبت دوپینگ می‌پردازد، بلکه نقش محوری ادله کارشناسی در روند داورى را نیز برجسته می‌سازد. هیئت داورى با پذیرش این ادله، تأکید کرد که موضوع بر سر پذیرش یا عدم پذیرش ادله نیست، بلکه اعتبار آن‌ها^{۷۳} اهمیت دارد.^{۷۴} این رویکرد می‌تواند الگویی برای رسیدگی به پرونده‌هایی باشد که ادعاهای پیچیده علمی یا پزشکی در آن‌ها مطرح است. در عین حال، پرونده نشان می‌دهد که ارائه چنین دفاعیاتی نیازمند منابع مالی قابل توجهی است و همین امر عدالت رویه‌ای را برای ورزشکارانی با توان مالی کمتر به چالش می‌کشد.

۵. ویژگی‌های خاص پرونده‌های مربوط به دوپینگ

⁷⁰ . Court of Arbitration for Sport. (2012, February 6). Alberto Contador found guilty of an anti-doping rule violation [Media release]. Tribunal Arbitral du Sport. Retrieved from https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/Media20Release20_English_2012.02.06.pdf

⁷¹ . Court of Arbitration for Sport (CAS). (2012, February 6). Award in the cases CAS 2011/A/2384 Union Cycliste Internationale (UCI) v. Alberto Contador Velasco & Real Federación Española de Ciclismo (RFEC) and CAS 2011/A/2386 World Anti-Doping Agency (WADA) v. Alberto Contador Velasco & RFEC (paras. 36–38)

⁷² .ibid.

⁷³ . weight of evidence

⁷⁴ . Davies, C. (2013). Doping in sport: Landis, Contador, Armstrong and the Tour de France. *Bond Law Review*, 25(2), Article 8, 84.

اختلافات مربوط به دوپینگ در دیوان داوری ورزش در مقایسه با دیگر نوع اختلافات ارجاع شده به این نهاد از جهات مختلفی متفاوت است، که به دلیل ویژگی‌های علمی، مقرراتی و اصل مسئولیت عینی در این موارد است. در اینجا به برخی از تفاوت‌های اصلی اشاره می‌کنیم:

۱. اصل مسئولیت عینی:

پرونده‌های دوپینگ: همانطور که گفته شد، یکی از اصول اساسی در مقررات ضد دوپینگ، اصل مسئولیت عینی است. به این معنا که ورزشکاران به صرف وجود هرگونه ماده ممنوعه در بدنشان مسئول هستند، فارغ از این که آگاهانه یا غیرآگاهانه از آن استفاده کرده باشند. این اصل، اختلافات دوپینگ را از سایر اختلافات متمایز می‌کند، چرا که در بسیاری از پرونده‌های دیگر، عنصر قصد یا تقصیر در ارزیابی‌ها نقش دارد.

اختلافات دیگر در دیوان داوری ورزش: در سایر پرونده‌های داوری، مسائلی مانند نقض قرارداد، واجد شرایط بودن یا مسایل انضباطی، معمولاً به ارزیابی پیچیده‌تری از قصد و رفتار نیاز دارند و اصل مسئولیت عینی در این موارد وجود ندارد.

۲. شواهد علمی و کارشناسی:

پرونده‌های دوپینگ: این پرونده‌ها اغلب بر اساس شواهد علمی مانند آزمایشات خون یا ادرار، شهادت کارشناسان و تحلیل مواد استفاده شده تصمیم‌گیری می‌شوند. این شامل ارزیابی نتایج آزمایشگاهی، فارماکولوژی، متابولیسم و روش‌های شناسایی است. ماهیت تخصصی شواهد علمی در پرونده‌های دوپینگ به این معناست که این پرونده‌ها معمولاً نیاز به شهادت‌های کارشناسی بیشتری نسبت به دیگر اختلافات ورزشی دارند.

اختلافات دیگر در دیوان داوری ورزش: در سایر پرونده‌ها، شهادت کارشناسی می‌تواند اهمیت داشته باشد (مانند ارزیابی صدمات یا مسائل مربوط به شرایط واجد شرایط بودن)، اما ممکن است نیازی به تحلیل‌های علمی تخصصی مانند پرونده‌های دوپینگ نباشد. تمرکز در پرونده‌های غیر دوپینگ معمولاً بیشتر بر مسائل قراردادی یا مقرراتی است تا مسائل علمی. (پرونده کنتادور)

۳. چارچوب‌های مقرراتی:

پرونده‌های دوپینگ: مقررات آیین‌نامه جهانی ضد دوپینگ و استانداردهای بین‌المللی مرتبط، یک چارچوب بسیار ساختاریافته و خاص برای پرونده‌های دوپینگ فراهم می‌کنند. این قوانین شامل دستورالعمل‌های دقیق برای روند آزمایش، محرومیت‌ها و بار اثبات است که در پرونده‌های دیگر معمولاً وجود ندارد.

اختلافات دیگر در دیوان داوری ورزش: در پرونده‌های غیر دوپینگ، مانند اختلافات مربوط به قرارداد یا واجد شرایط بودن، معمولاً مقررات خاص فدراسیون یا ورزش مورد نظر تعیین‌کننده است و این مقررات ممکن است به اندازه قوانین ضد دوپینگ فنی و پیچیده نباشند. در این پرونده‌ها بیشتر به اصول حقوقی مانند نقض قرارداد یا فساد مالی پرداخته می‌شود.

۴. ماهیت شواهد:

پرونده‌های دوپینگ: در این پرونده‌ها، شواهدی مانند نتایج مثبت آزمایش‌ها، موقعیت‌های مربوط به محل حضور ورزشکار و معافیت‌های استفاده درمانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این پرونده‌ها همچنین اغلب شامل تفسیر مقررات ضد دوپینگ و نحوه جمع‌آوری و نگهداری نمونه‌ها می‌شود. شواهد غیرمستقیم (مانند الگوهای رفتار یا تغییرات در عملکرد) نیز می‌تواند نقش زیادی در تصمیم‌گیری‌ها داشته باشد. اختلافات دیگر در دیوان داورى ورزش در پرونده‌های دیگر، شواهد بیشتر بر اساس شرایط قراردادی، سوابق مالی یا تفسیر مقررات ورزشی است. شهادت‌های ورزشکاران یا مربیان معمولاً بیشتر در مورد وقایع، عملکردها یا حوادث است، بدون اینکه به شدت به شواهد علمی وابسته باشد.

۵. محرومیت‌ها و تأثیرات:

پرونده‌های دوپینگ: محرومیت‌ها در پرونده‌های دوپینگ معمولاً شدیدتر هستند و ممکن است شامل تعلیق‌ها، محرومیت‌های مادام‌العمر یا سلب مدال‌ها شود. همچنین آسیب به اعتبار ورزشکاران در پرونده‌های دوپینگ به‌ویژه بالا است و این پرونده‌ها به‌طور عمومی بسیار برجسته می‌شوند. اختلافات دیگر در دیوان داورى ورزش هرچند محرومیت‌ها در سایر پرونده‌ها نیز ممکن است مهم باشند (مانند جریمه‌ها، تعلیق‌ها یا محدودیت‌های واجد شرایط بودن)، اما تأثیرات آن‌ها معمولاً کمتر مستقیم و بیشتر مربوط به رویداد ورزشی خاص یا قرارداد است.

۶. بار اثبات:

پرونده‌های دوپینگ: در این پرونده‌ها، بار اثبات معمولاً بر دوش ورزشکار است تا نشان دهد که تقصیری نداشته یا نقض دوپینگ غیرعمدی بوده است (برای مثال، در مواردی که مکمل‌های آلوده مصرف شده‌اند). اگرچه سازمان‌های ضد دوپینگ باید ثابت کنند که نقض صورت گرفته، ورزشکاران اغلب باید از طریق شواهد نقض وجود ماده ممنوعه در بدنشان را رد کنند. اختلافات دیگر در دیوان داورى ورزش در پرونده‌های غیر دوپینگ، بار اثبات ممکن است بین طرفین به‌طور مساوی تقسیم شود، بستگی به نوع پرونده دارد. برای مثال، در اختلافات مربوط به نقض قرارداد یا واجد شرایط بودن، طرفی که ادعا می‌کند باید شواهد لازم را برای اثبات ادعای خود ارائه دهد. در مجموع، اختلافات دوپینگ در دیوان داورى ورزش به دلیل ترکیب پیچیده‌ای از مسئولیت عینی، شواهد علمی و چارچوب‌های مقرراتی خاصی که دارند، از سایر اختلافات ورزشی متمایز می‌شوند.

نتیجه‌گیری

اختلافات مربوط به دوپینگ در دیوان داورى ورزش ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از سایر انواع دعاوی ورزشی متمایز می‌کند. یکی از مهم‌ترین این ویژگی‌ها، اصل «مسئولیت عینی» است که بر اساس آن، صرف یافتن ماده ممنوعه در نمونه ورزشکار، بدون نیاز به احراز نیت یا تقصیر، برای اثبات تخلف کافی است. این اصل، در مقایسه با سایر دعاوی ورزشی که در آن‌ها قصد، تقصیر یا تخلف قراردادی باید اثبات شود، مسئولیتی شدیدتر و متفاوت‌تر را بر دوش ورزشکاران قرار می‌دهد. در این پرونده‌ها، نقش شواهد علمی و کارشناسی بسیار برجسته است. تصمیم‌گیری معمولاً بر پایه نتایج آزمایشگاهی، تحلیل متابولیسم مواد، نظر

کارشناسان، و مستندات علمی دقیق صورت می‌گیرد. در حالی که در سایر اختلافات ورزشی نظیر مسائل قراردادی یا انضباطی، تحلیل‌های حقوقی یا تفسیر مقررات فدراسیون‌ها در اولویت قرار دارد و نیاز چندانی به داده‌های علمی تخصصی نیست.

مقررات حاکم بر دعاوی دوپینگ نیز ساختارمندتر و بین‌المللی‌تر هستند. آیین‌نامه جهانی مبارزه با دوپینگ و استانداردهای بین‌المللی همراه آن، چارچوبی دقیق برای مراحل مختلف از نمونه‌گیری تا اعمال محرومیت‌ها ترسیم کرده‌اند؛ در حالی که در سایر دعاوی، مقررات ممکن است صرفاً داخلی یا وابسته به فدراسیون‌های خاص باشند. از لحاظ بار اثبات نیز، در دعاوی دوپینگ ورزشکار معمولاً ناگزیر است بی‌گناهی خود را اثبات کند یا نشان دهد که نقض به‌طور غیرعمدی رخ داده است. در مقابل، در دعاوی دیگر، بار اثبات اغلب بر عهده مدعی است و الزامی به اثبات عدم تقصیر وجود ندارد. همچنین، شدت محرومیت‌ها و آسیب‌های احتمالی به اعتبار ورزشکاران در دعاوی دوپینگ بسیار بالاست. تعلیق‌های طولانی‌مدت، لغو مدال‌ها و محرومیت مادام‌العمر از پیامدهای معمول این دعاوی است؛ در حالی که در دیگر دعاوی ورزشی، محرومیت‌ها اغلب موقتی، مالی یا محدود به یک رقابت خاص هستند.

در نهایت، دیوان داوری ورزش تلاش می‌کند میان ساختار حقوقی انعطاف‌پذیر داوری سوئیس و الزامات تخصصی مبارزه با دوپینگ تعادلی برقرار سازد. این نهاد با پذیرش انواع ادله، از شواهد علمی گرفته تا شهادت شهود و اسناد رسمی، و با بهره‌گیری از استاندارد اثبات «اقتناع اجمالی»، فضایی را فراهم کرده که هم به اصول ضد دوپینگ پایبند باشد و هم حقوق دفاعی ورزشکاران را حفظ کند. با این حال، برای حفظ مشروعیت و اعتماد عمومی، ضروری است که این دیوان بی‌طرفی کارشناسان را تضمین کرده، در ارزیابی ادله شفافیت داشته باشد و اصول دادرسی منصفانه را در تمامی مراحل رعایت نماید. با توجه به ویژگی‌های خاص دعاوی دوپینگ و بار سنگینی که اصل «مسئولیت عینی» بر دوش ورزشکاران قرار می‌دهد، ضروری است برای ارتقای عدالت رویه‌ای، شفافیت بیشتری در خصوص ادله و معیارهای اثبات ایجاد شود. پیشنهاد می‌شود آژانس جهانی مبارزه با دوپینگ و دیوان داوری ورزش دستورالعمل‌های روشنی منتشر کنند که به‌زبان ساده و قابل‌فهم برای ورزشکاران غیرحقوقی نیز تنظیم شده باشد تا آنان با انواع ادله، استانداردهای اثبات و حقوق دفاعی خود آشنا شوند. این امر نه تنها به تحقق حق دفاع کمک می‌کند بلکه اعتماد عمومی به نظام مبارزه با دوپینگ را تقویت خواهد کرد. هرچند اصل مسئولیت عینی همچنان مبنای پاسخگویی ورزشکاران باقی می‌ماند، اما این واقعیت نباید مانع تلاش آنان برای استیفای حقوق‌شان در فرآیندهای دادرسی شود.

منابع فارسی

۱. مقاله‌ها سادات میدانی، سید حسین. «ضابطه یا استاندارد اثبات دعوی در رویه قضایی بین‌المللی دادگستری»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۲، ۱۳۹۱.
۲. میرشاه‌پناه، زهرا؛ مافی، حسین؛ دارویی، امیر. «مطالعه تطبیقی اخذ دلیل توسط داور در نظام‌های حقوقی ایران و آمریکا و قواعد انجمن بین‌المللی کانون وکلا»، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، سال ۱۴۰۲، دوره ۱۴، شماره ۱.

پایان‌نامه‌ها

صارمی، سپهر. «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال زورافزایی (دوپینگ) سازمان‌یافته؛ مطالعه موردی روسیه». رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق.

منابع انگلیسی

کتاب‌ها

- Lindholm, J. *The Court of Arbitration for Sport and Its Jurisprudence: An Empirical Inquiry into Lex Sportiva*. The Hague: T.M.C. Asser Press, 2019.
- Mavromati, D., Reeb, M. *The Code of the Court of Arbitration for Sport: Commentary, Cases and Materials*. Alphen aan den Rijn: Wolters Kluwer, 2015.
- Lewis, Adam QC; Taylor, Jonathan QC. *Sport: Law and Practice*, 3rd ed., London: Bloomsbury, 2021.
- Viret, M. *Evidence in Anti-Doping at the Intersection of Science & Law*. The Hague: T.M.C. Asser Press, 2015.
- Kane, D. "Twenty Years On: An Evaluation of the Court of Arbitration for Sport", in: *The Court of Arbitration for Sport 1984–2004*, The Hague: Kluwer Law International, 2006.

مقاله‌ها

1. McLaren, Richard H. "CAS Doping Jurisprudence: What Can We Learn?", *International Sports Law Review*, vol. 1 (2006).
2. Rigozzi, Antonio; Quinn, Brent. "Evidentiary Issues before CAS", in: Bernasconi, Michele (ed.), *International Sports Law and Jurisprudence of the CAS – 4th Conference CAS & SAV/FSA Lausanne 2012*, Lausanne: Editions Weblaw, 2014.
3. Davies, C. (2013). *Doping in sport: Landis, Contador, Armstrong and the Tour de France*. *Bond Law Review*, 25(2), Article 8

منابع اینترنتی

1. Court of Arbitration for Sport (CAS). *Code of Sports-related Arbitration*, Lausanne: CAS, 2023. Available at: <https://www.tas-cas.org/en/arbitration/code-of-sports-related-arbitration.html>
2. World Anti-Doping Agency. *World Anti-Doping Code 2021*. Montreal: WADA, 2021. Available at: https://www.wada-ama.org/sites/default/files/resources/files/2021_wada_code.pdf
3. Court of Arbitration for Sport (CAS). *CAS Statistics 2016*. Available at: https://www.tas-cas.org/fileadmin/user_upload/CAS_statistics_2016.pdf
4. Wildenstein & Associés. *The evidences before the Court of Arbitration for Sport (CAS)*. Available at: <https://wdassocies.com/en/the-evidences-before-the-court-of-arbitration-for-sport-cas>
5. Court of Arbitration for Sport (CAS). *Bulletin TAS / CAS Bulletin*, 2015/1.

منابع فرانسوی

کتاب‌ها و فصل کتاب

Maisonneuve, M. «La chambre antidopage du Tribunal arbitral du sport», in: Chaussard, C. & Chiron, T. (dir.), *Le dispositif de lutte contre le dopage*, 52e éd., 2019.

اسناد قانونی

Confédération suisse. *Loi fédérale sur le droit international privé (LDIP) du 18 décembre 1987. État au 1er janvier 2025.* Disponible sur :
https://www.fedlex.admin.ch/eli/cc/1988/1776_1776_1776/fr

آراء

1. CAS 92/63 *G. v. Fédération Equestre Internationale (FEI)*, Award of 10 September 1992.
2. CAS ad hoc Division (O.G. Nagano) 98/002 *R. v. IOC*, Award of 12 February 1998.
3. CAS 94/129 *USA Shooting & Quigley v. UIT*, Award of 23 May 1995.
4. CAS 2004/O/649 *United States Anti-Doping Agency v. G.*, Award of 13 December 2005.
5. CAS 2017/A/5379 *Alexander Legkov v. IOC*, Award of 1 February 2018.
6. CAS 2017/A/5422 *Aleksandr Zubkov v. IOC*, Award of 23 April 2018.
7. CAS 2009/A/1879 *Alejandro Valverde Belmonte v. Comitato Olimpico Nazionale Italiano*, award of 31 May 2010 .